

سامراء

در منابع عربی^۱

دکتر حسین علی محفوظ^۲

مترجم: محمد حسین خوشنویس

چکیده

سامرا مرکز استان صلاح‌الدین، از شهرهای مذهبی کشور عراق است که امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام در این شهر به خاک سپرده شده‌اند. این شهر در دوران خلافت عباسیان، از آبادانی و اهمیت فراوانی برخوردار بود و پایتخت سیاسی حکومت عباسی به شمار می‌رفت. به سبب وجود حرم امامین عسکریین علیه السلام و سرداب غیبت، حوادث بزرگی که در طول تاریخ بر این شهر گذشته، قبور بزرگانی که در این شهر به خاک سپرده شده‌اند، زندگی و حلقه تدریس مراجع تقلید بزرگی چون میرزای شیرازی صاحب فتوای تحریم تنباکو، انقلاب مردمی سال ۱۹۲۰ بر ضد استعمار انگلیس و نیز موقعیت جغرافیایی سامرا، این شهر همواره مورد توجه دانشمندان مسلمان بوده و از گذشته تا کنون، اطلاعات ارزشمندی در منابع اسلامی، به‌ویژه منابع عربی درباره این شهر وجود دارد که می‌تواند راهنمای پژوهشگران باشد.

این نوشتار، منابع عربی که درباره سامرا نوشته شده یا به نوعی اطلاعاتی درباره این شهر در خود دارد در چهار بخش کتب تاریخی، موسوعه‌ها، کتب جغرافیایی و سفرنامه‌ها دسته‌بندی کرده و همراه با مطالب ارزنده‌ای از برخی از این منابع را در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: سامرا، عراق، منابع عربی، امامین عسکریین علیه السلام، حکومت عباسی.

درآمد

در این مقاله، با گشتی در کُتب و اسناد و مدارک عربی برآنیم تا آنچه نویسندگان و محققین درباره سامراء و مسائل پیرامونی آن، از جمله تاریخ، سیاست، جغرافیا و... جمع آوری کرده‌اند را به طور مختصر و البته بدون خدشه به محتوا برای خوانندگان عزیز گرد هم آوریم. بسیاری از مطالب به طور مشترک و مکرر در کتاب‌های مختلف آمده که برای جلوگیری از طولانی شدن مقاله فقط برای یک بار و به اجمال ذکر شده است. آنچه در این مجال مطرح شده، اطلاعاتی است که کمتر در کتاب‌های مشهور وجود دارد و کمتر کسی یافت می‌شود که به دنبال آن در منابع عربی بگردد. مطالب اصلی مقاله جستاری در چهار صنف کتاب تاریخی، جغرافی، موسوعه‌ها و سفرنامه‌هاست.

لازم به گفتن است که در بیان ماجرای تحریم تنباکو تا حدی تفصیل داده شده تا هم عمق فاجعه آشکار گردد و هم نقش سامراء و مرجع عالی‌قدر آن شهر مقدس یعنی میرزا محمدحسن شیرازی رحمته‌الله به طور برجسته معلوم گردد.

در برخی موارد به بیان کلیاتی اکتفا شده و صرفاً آدرس برای مراجعه بیشتر داده شده تا در صورت نیاز یا علاقه، خوانندگان گرامی بدان مراجعه کنند. نام و لقب برخی شخصیت‌های مرتبط با جریان تنباکو در اصل مقاله آمده و در برخی موارد برای شناخت بهتر و بیشتر از ایشان بیوگرافی مختصری از آنان در پی‌نوشت یادآوری شده است. برخی القاب مبهم یا مشترک میان چند نفر نیز در پی‌نوشت توضیح داده شده؛ برای نمونه در مقاله نام «مُشیرالدوله» آمده که در پی‌نوشت، نام اصلی آن شخصیت به همراه اشاره کوتاهی به سوابق فعالیت‌های شخص مورد نظر آمده است.

۱. سامراء در کتب تاریخی

«جامع مختصر»

- در ماه شعبان سال ۶۰۲ ق «امیر سنجر» حاکم سامراء به دست برادرش کشته شد.^۳

«حوادث جامعه»

- در سال ۶۴۰ ق آتش به حرم عسکرین علیه السلام افتاد و صدمات بسیاری وارد کرد؛ اما مستنصر خلیفه عباسی دور از انتظار شیعیان به بازسازی حرم مطهر پرداخت و دو ضریح از بین رفته این حرم را دوباره بهتر از سابق ساخت. پیش از این، حرم عسکرین به دستور «ارسلان بساسیری» ساخته شده بود.^۴

- در سال ۶۴۳ ق خلیفه وقت عباسی چهار کبوتر نامه بر برای مدائن، کوفه، قادسیه و سامراء فرستاد و برخلاف شیوه مرسوم در امر قضاوت، در یک دادگاه غیر حضوری در حلّ یک مسئله مداخله نمود.

- در سال ۶۵۳ ق تخته سنگ بزرگی معروف به «تخت فرعون» از سامراء به بغداد انتقال داده شد و آن را در زیر خانه خلیفه قرار دادند؛ اما چهار سال بعد دوام نیاورد و شکست.^۵

«دوحة الوزراء فی تاریخ وقائع بغداد الزوراء، از رسول کرکوسی»

- در سال ۱۲۱۰ ق برخی از سران مملکتی برای گذراندن تابستان به هوای معتدل سامراء پناه آوردند و پس از اتمام فصل گرما به بغداد بازگشتند. آغاز هجرت از بغداد در روز ۲۱ شوال بوده است.^۶

«تاریخ عراق بین احتلالین، از عباس غراوی»

- در سال ۹۶۱ ق مأمور ویژه حاکم قبطی مصر برای زیارت مرقد عسکرین علیه السلام به سامراء آمد.^۷

- در سال ۱۱۱۷ ق وزیر وقت عثمانی (حسن پاشا)^۸ به سامراء آمد و فقرای این شهر را بسیار اکرام نمود و به خدمه حرم انعام بسیار داد. برای شکار نیز هر از گاهی به بیرون سامراء می رفت.^۹

- در سال ۱۱۳۲ق طاعون در سامراء شایع شد و تلفات فراوان به بار آورد؛ به طوری که میانگین در هر روز جان بیش از هزار نفر را می گرفت. بسیاری از مردم فرار را بر قرار ترجیح دادند. نیروهای نظامی دست به کار شدند و امنیت شهر را برعهده گرفتند.^{۱۰}

- در اوائل شوال ۱۲۱۰ق «سلیمان پاشا» نخست وزیر وقت عثمانی از بغداد به سمت سامراء حرکت کرد و در بین راه چند روزی را با طایفه «بنی غر» گذراند و هر از گاهی نیز توقف کرده و برای شکار اقدام می کردند.^{۱۱}

- در سال ۱۲۷۱ق «محمد رشید پاشا» وزیر وقت عثمانی دستور به حفر کانال دُجیل در منطقه ای از مناطق سامراء را صادر کرد. این اقدام جهت آبرسانی به مردم منطقه انجام شد.^{۱۲}

- در سال ۱۲۸۶ق شهر سامراء از نظر جغرافیای سیاسی، از جمله مناطق تحت پوشش بغداد درآمد. این تصمیم در روزگار امارت «مدحت پاشا»^{۱۳} گرفته شد.^{۱۴}

- در سال ۱۲۸۷ق «ناصرالدین شاه» قاجار^{۱۵} به عتبات عالیات، از جمله سامراء سفر کرد.^{۱۶}

- در سال ۱۲۹۶ق شهر سامراء آماج حمله برنامه ریزی شده تعداد زیادی از اوباش قرار گرفت.^{۱۷}

- در اواسط سال ۱۳۳۵ق که حکومت عثمانی دچار ضعف شدید شده بود، برای محافظت از آنچه دارد (از جمله اسناد و پول) دستور داده که همه را با یک قطار به سامراء انتقال دهند. نیروهای عثمانی برای سازماندهی بیشتر در سامراء جمع شده اند و در این میان اتفاقات ناگوار متعددی به وقوع می رسد. شهر مقدس سامراء شاهد صحنه هایی از درگیری میان طرف های موافق و مخالف دولت است. جبهه ای که دولت در سامراء پیش بینی کرده، در حال شکست خوردن و از هم پاشیدن است. در این بین، نیروها در محاصره شدید غذایی نیز قرار گرفته اند که آنها را ضعیف تر کرده است.

دولت تلاش فراوانی برای بیرون کشیدن نیروهایش دارد، اما تلاشش کمتر مقرون توفیق است. این حادثه معروف به «حادثه شکر» شد؛ به این دلیل که بسیاری از جابه جایی ها با قطاری صورت می گرفت که برای حمل شکر از آنها استفاده می شد و گونی های پر از شکر در ایستگاه های قطار معطل مانده بود؛ چرا که فرصت و مجال جابه جایی نیش بدست نمی آمد. پس از «حادثه شکر»، «حادثه رویضات» به وقوع پیوست که شرحش مجال دیگری می طلبد.

بعد از فروکش کردن درگیری‌ها، دولت تمرکز خود را بر سامراء بیشتر کرد و به جبران ناکامی در سامراء، تکریت را اشغال کرد.^{۱۸}

«الحقائق الناصعة في الثورة العراقية سنة ۱۹۲۰ و نتائجها از، آل فرعون»

انقلاب ۱۹۲۰ عراق علی‌ه انگلیس

رهبر این نهضت «میرزا محمد تقی شیرازی» بود که آن روزها در سامراء اقامت داشت.^{۱۹} «میجر بری» حاکم انگلیسی تبار سامراء برای اختلاف‌افکنی میان دسته‌های مردم، برخی را علیه برخی دیگر می‌شوراند تا مانع اتحاد ایشان بر ضد انگلیس شود. او از دشمنی دیرینه دو عشیره غرّه و عبید سوء استفاده کرد و عبید را به آتش زدن خانه‌ها و تخریب اموال غرّه که مخالف سرسخت انگلیسی‌ها بودند، تشویق نمود.

اکثر عشیره‌های ساکن در سامراء مشارکت فعالانه‌ای علیه انگلیس داشتند. عشیره «جبور» به رهبری عبدالحمید سلامه، عشیره «مُجمَع» به رهبری محمدالمهدی، عشیره «ابوأسود» به رهبری حسین مطر، عشیره «ابوفراج و غرّه» به رهبری علوان محمد، عشیره «بنی تمیم» به رهبری حاتم - هذال، عشیره «لفته» به رهبری هیلان و طوایف دیگری که با برنامه قبلی به سوی مرکز شهر سامراء حرکت کردند و شهر را به محاصره درآوردند. میجر بری و فورنو (رئیس پلیس) به خانه برخی از اهالی طرفدار ایشان پناه بردند و پناه‌دهندگان به این بهانه که آن دو در حمایت ایشان وارد شده‌اند، از تسلیم آنها به مردم سر باز می‌زدند. این افراد همان کسانی بودند که به‌ضرر انقلابیون، به انگلیسی‌ها کمک می‌کردند و همین کارشکنی‌ها باعث شد تا سامراء به‌طور کامل به‌دست مردم نیافتد.^{۲۰}

«شایع السمرّا فی شأن سامراء، از شیخ محمد سماوی»

لفظ سامراء از نام سام پسر حضرت نوح عليه السلام گرفته شده است. سامراء در اصل «سام راه» یعنی همان مسیر سام یا راه سام می‌باشد. این شهر توسط معتصم عباسی تأسیس شد و آن‌گاه که سپاهیان در بغداد به تنگ آمدند و به این شهر مهاجرت کردند. احتمال دیگری نیز درباره نام این شهر وجود دارد که از همین مهاجرت نشأت می‌گیرد. سپاهیان خلیفه عباسی وقتی به این منطقه آمدند، بسیار مسرور و خوشحال شدند و بدین ترتیب نام این شهر «سُر من رآه»

شد؛ یعنی هر کس که این منطقه را ببیند، مسرور می‌شود. با گذشت روزگار «سُرّ من رآه» به «سُرّ من رأی» و سامراء تبدیل شد. از طرفی این شهر یک پادگان تمام عیار نظامی بود که به آن «عَسْکَر» یا «مُعَسْکَر» نیز گفته می‌شود. تأسیس این شهر به سال ۲۲۱ق بازمی‌گردد. هوایی معتدل و خاکی حاصلخیز و آبی فراوان دارد.

معتصم، معتمد، متوکل، مُنْتَصِر، مُسْتَعِین، مُعْتَزّ، مُهْتَدِی، معتمد ثانی و معتضد این شهر را به‌عنوان پایتخت حکومت خویش برگزیده بودند. معتضد به سبب فشار برخی از مردم به بغداد بازگشت و بغداد دوباره پایتخت عباسیان شد. سامراء حدود شصت سال بعد رو به تخریب نهاد.^{۲۱}

امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام مورد سعایت برخی دشمنان و حسودان قرار گرفتند و با زهر خلفای عباسی به شهادت رسیدند. امام هادی علیه السلام در همان سال تولّد امام زمان (عج) یعنی سال ۲۵۴ق بدرود حیات گفت.

- در سال ۳۳۳ق «ناصرالدوله حمدانی»^{۲۲} دیواری دورتادور سامراء کشید تا از گزند حوادث انسانی و تعرّض‌ها مصون بماند.

- در سال ۳۳۷ق «مُعزالدوله بویه»^{۲۳} بخش‌هایی از حرم عسکرین علیهما السلام را تعمیر و بازسازی کرد و برای خدمه حرم مقرّری ماهانه قرار داد. چارچوب ضریح مطهر را تقویت کرد و به چاه خشکیده‌ای که منسوب به امام عسکری علیه السلام بود، کانال آبی متصل نمود. پس از خشک شدن این چاه، مردم بدان تبرک می‌جستند و آن‌قدر از خاکش بردند که از سطحش به‌شدّت کاسته شد. حیاط حرم و دیوارها بازسازی شد و عمارت حمدانی تکمیل گردید.

- پس از او، «عضدالدوله»^{۲۴} در ۳۶۸ق روضه منوره را با چوب ساج و ضریح مطهر را با پارچه دیباج پوشاند و رواق‌ها را توسعه داد.

- در سال ۴۴۵ق «امیر ارسلان» گنبد حرم مطهر عسکرین را تجدید نمود و صندوقی چوبین از بهترین جنس چوب روی مراقد مقدسه ساخت.

- در سال ۴۹۵ق «برکیاروق سلجوقی»^{۲۵} درب‌های حرم مطهر را تعویض و گنبد و صحن اصلی را تعمیرات اساسی کرد. وکیل او در این امور، صدراعظمش «مجدالدوله» بود.

- در سال ۶۰۶ق «ناصر عباسی»^{۲۶} گلدسته‌های حرم مطهر را بازسازی کرد و اسامی امامان

دوازده گانه شیعه را روی دیوارها نگاشت. و کیل او در انجام این امور شخصی به نام «سید محمد» (یا سید معد بن محمد) بود.

- در سال ۶۴۰ق «مستنصر عباسی» صندوق روی مرقده مطهر را که در آتش سوزی از بین رفته بود، تعویض کرد و برای این کار از «سید احمد بن طاووس»^{۲۷} کمک گرفت.

- در سال ۷۵۰ق «ابو اویس حسن جلایری»^{۲۸} ضریح و گنبد حرم را تجدید بنا کرد. یکی از اقدامات او این بود که قبور پراکنده در صحن را به فضای بیرون انتقال داد.

- در سال ۱۱۰۶ق «شاه حسین صفوی»^{۲۹} ضریح مطهر عسکرین علیه السلام را از پنجره فولاد ساخت و زمین روضه منوره را یکپارچه سنگفرش کرد.

- در سال ۱۲۰۰ق «احمد برمکی» سرداب غیبت را بازسازی کرد و چوب‌های به کار رفته در بنای ساختمان را به سنگ مرمر تغییر داد. و کیل او در انجام این امور «میرزای سلماسی» بود. احمد برمکی پیش از تکمیل برنامه‌هایش از دنیا رفت و باقی کار را میرزای سلماسی از اموال شخصی‌اش ادامه داد تا به سرانجام رسید.

- در سال ۱۲۲۵ق حسین، فرزند میرزای سلماسی سمت پدر را برعهده گرفت و همان خدمات را به گونه دیگری ادامه داد. تعمیر و رسیدگی به درب‌های حرم و سرداب غیبت و کاشی کاری گنبد، از جمله فعالیت‌های اوست. حسین برای خود و پدرش دو قبر در رواق حرم عسکرین علیه السلام در نظر گرفت که این با موافقت خود میرزا بود.

- در سال ۱۲۸۵ق «ناصرالدین شاه» قاجار گنبد حرم عسکرین علیه السلام را طلاکاری نمود و سنگ‌فرش روضه منوره و رواق و صحن و شبستان را عوض کرد. و کیل شاه ایرانی در این کار «شیخ عبدالحسین تهرانی» معروف به «شیخ العراقین»^{۳۰} بوده است.

- در سال ۱۳۴۱ق «ملک فیصل اول»^{۳۱} کوچه‌ها و خیابان‌های اطراف حرم را توسعه داد و پس از او «فیصل دوم»^{۳۲} نیز همین برنامه را ادامه داد.

- در سال ۱۳۴۳ق حرم مطهر عسکرین علیه السلام متصل به شبکه سراسری برق شد و به برکت وجود برق، آب‌رسانی به مردم سامراء نیز صورت گرفت.

حوادث بزرگ

- سال ۲۶۰ق: به زندان افتادن امام حسن عسکری علیه السلام؛
سال ۲۷۹ق: بازگشت معتضد به بغداد و انتقال پایتخت؛
سال ۴۴۵ق: جنگ میان بساسیری و سلجوقیان؛
سال ۶۴۰ق: آتش سوزی وسیع و هولناک در حرم عسکریین؛
سال ۱۰۶ق: آتش سوزی مجدد در حرم؛
سال ۱۳۱۱ق: وقوع فتنه داخلی میان اهالی سامراء؛
سال ۱۳۵۶ق: به سرقت رفتن چند لوح طلا و نقره از حرم مطهر.^{۳۳}

قبور بزرگان

- حکیمه خاتون دختر امام جواد علیه السلام و عمه امام عسکری علیه السلام. ۲۷۴ق؛
نرجس خاتون همسر امام عسکری علیه السلام و مادر امام زمان علیه السلام. ۲۶۰ق؛
محمد بن علی الهادی علیه السلام معروف به امام زاده «سید محمد» در ۴۵ کیلومتری سامراء؛
ابوهاشم داود از نسل عبدالله بن جعفر بن ابی طالب ۲۶۱ق (از محدثان شیعه)؛
احمد خوئی، حاکم خوی، ۱۲۰۰ق؛
اسدالله شیرازی، برادر میرزای شیرازی صاحب فتوای تحریم تنباکو. ۱۳۱۱ق.^{۳۴}

المآثر الکبری فی تاریخ سامراء از ذبیح الله محلاتی

حادثه تنباکو

واقعه مهمی که در دوره زعامت میرزای شیرازی^{۳۵} - که آن روزها در سامراء اقامت داشت - رخ داد، ماجرای اعطای امتیاز تنباکو توسط دولت و صدور فتوای تحریم تنباکو توسط میرزای شیرازی بود. از جمله کسانی که با اعطای این امتیاز مخالف بود و ناصرالدین شاه سخت بر او عرصه را تنگ گرفت «سید جمال الدین اسدآبادی»^{۳۶} بود. ناصرالدین شاه او را از ایران بیرون کرد و او مستقیم به بصره رفت و به میرزای شیرازی نامه‌ای نوشت تا ایشان را از اوضاع ایران آگاه کند. متن این نامه به سرعت در همه جا منتشر شد. «علامه

سید محسن عاملی»^{۳۷} می‌گوید: «من در نجف بودم که این نامه به آن‌جا رسید و همه آن را خواندیم. این نامه در شماره‌هایی از مجله «العرفان الصیداویة» نیز منتشر شد. این مجله در لبنان به چاپ می‌رسید».

«شکیب ارسلان»^{۳۸} می‌گوید: «ندای این سید (جمال‌الدین) از مهم‌ترین اسباب صدور فتوا توسط میرزای شیرازی بود که دولت ایران را مجبور به عقب‌نشینی و لغو امتیاز نمود».

اما علامه «سید محسن عاملی» نظر دیگری دارد؛ او می‌گوید: «میرزای شیرازی پیش از رسیدن نامه سید جمال به سامراء، فتوا به تحریم تدخین تنباکو را صادر کرد و نامه سیدجمال تأثیری در صدور فتوا نداشته است».^{۳۹}

عراق؛ قدیم و جدیدی‌ش از عبدالرزاق حسنی

سامراء از شهرهای قدیمی در تاریخ شهرهای آباد است. برخی می‌گویند تأسیس این شهر به دوران پیش از اسلام بازمی‌گردد. این را حفاری‌های باستان‌شناسان تأیید می‌کند. معتصم را گروهی زنده کننده یک شهر قدیمی می‌دانند، نه مؤسس سامرای فعلی.

خلفای عباسی یکی پس از دیگری آمدند و بر جلال و شکوه این شهر افزودند. تقریباً هر یک نیز برای خود قصری ساختند. سامراء در مسیر پیشرفت و توسعه در مدت شصت سال، یکی از زیباترین شهرهای عراق بود و محلی برای استراحت و تفریح خاندان عباسی گشته بود. سامرای کنونی از نظر جغرافیائی با سامرای دوره معتصم مقداری فاصله دارد و در حقیقت یکی از محلات مشهور آن دوران بوده است. امام هادی علیه السلام در آن منطقه سکونت داشته‌اند. در اطراف حرم مطهر در ابتدای قرن سوم خانه‌ها و ساختمان‌هایی ساخته شد و این خانه‌ها ترکیب کلی خود را تا پس از انقراض دولت عباسی حفظ کرد. در دوره حکومت مدحت پاشا دولت به شهر سامراء توجه خاصی داشت.

سامرای فعلی در فاصله ۱۲۸ کیلومتری شمال بغداد واقع شده است. بیشتر خانه‌ها با آجر ساخته شده و برگرفته از معماری سامرای قدیم است. اغلب ساکنان سامراء از عشایر هستند. معیشت این افراد غالباً از طریق رسیدگی به زوار عسکرین علیهم السلام تأمین می‌شود. البته عده‌ای

هم به کشت و زراعت می‌پردازند. آب شُرب مردم با پُمپ از نهرهای اطراف گرفته می‌شود. سابق بر این روشنایی خانه‌ها با روغن چراغ بود، اما امروزه برق، روشنایی بخش خانه‌ها شده است. سابق بر این، مردم برای عبور از نهرها از قایق‌های چوبی استفاده می‌کردند که امروزه به قایق‌های پیشرفته و مدرن مجهز هستند.

جمعیت سامراء در سال ۱۹۴۷م حدود ۶۵ هزار نفر بوده است. اداره آثار باستانی در سامراء برای حفظ آثار و اشیای قدیمی، موزه‌ای را در سال ۱۹۴۰م در این شهر تأسیس کرد. در نیمه دوم قرن بیستم میلادی سامراء مُحاط به دیواری به محیط دو کیلومتر بود که قسمت بزرگ‌تر آن به هفتصد متر می‌رسید. یکی از پادشاهان هند در بازسازی این دیوار نقش عمده داشت. این دیوار چهار دروازه به نام «قاسول، ناصریه، بغداد و ملطوش» داشت که به تدریج این دروازه‌ها برای توسعه شهر و ساخت‌وسازهای مختلف تخریب و برداشته شد. برای نمونه به جای دروازه غربی، ساختمانی برای شهرداری، یک باب بیمارستان، یک باب مدرسه و ساختمانی برای دو اداره برق و پُست ساخته شد. به جای دروازه جنوبی نیز یک کشتارگاه برای خوراک مردم و به جای دروازه شرقی یک موزه محلی تأسیس شد.

نزدیک سامراء منطقه‌ای به نام «ثرثار» وجود دارد که سدّ مهمّی در آن‌جا ساخته شده و هنگام باران، بغداد را از زیر آب رفتن حفظ می‌کند. این سد بر روی نهری به طول ۶۲ کیلومتر ساخته شده است. این سدّ برای نگه‌داری و هدایت آب به مزارع و تولید برق نیز استفاده می‌شود. طول سدّ نزدیک به ۴۵۰ متر است و دارای پنجره‌هایی برای عبور آب است که هم با موتور برق باز می‌شود و هم با دستگیره‌های بزرگ و می‌تواند در هر ثانیه ۹ هزار متر مکعب آب را به بیرون هدایت کند. این سدّ عظیم در سال ۱۹۵۶م ساخته شد. در آن روز ساخت سدّ شانزده میلیون دینار هزینه برداشت، اما برکات زیادی را در پی داشت.

۲. سامراء در موسوعه‌ها

اخبار الدُول و آثار الأوّل فی التاریخ، از احمد بن یوسف^{۴۰}

سامراء شهر بزرگی است که در ضلع شرقی دجله واقع شده است. امروزه مردمان کمی در آن زندگی می‌کنند و به مانند روستائی کوچک درآمده است.^{۴۱}

أحسن الودیعة، از سید مهدی اصفهانی

دولت آلمان پس از گرفتن امتیاز از دولت عراق، خط آهنی از بغداد به سامراء کشید. این شهر در طول تاریخ، فراز و نشیب بسیار داشته است. میرزا سید محمدحسن شیرازی این شهر را به منزله یک مرکز علمی برای طُلاب قرار داد و طُلاب علوم دینی از اقصا نقاط عراق به سوی این شهر سرازیر شدند. میرزا مدرسه‌ای بزرگ تأسیس کرد که تا امروز این مدرسه مأوای طُلاب است.^{۴۲}

اعیان الشیعه، از سید محسن امین

پس از فوت میرزای شیرازی در سال ۱۳۱۲ق تعداد شیعیان در این شهر کم شد و به مرور جنبه علمی آن نیز به ضعف گرایید.^{۴۳}

تاریخ الشیعه، از محمد حسینی مظفر

هیچ دوره‌ای از دوران‌های تاریخ این شهر تا امروز نبوده است که این شهر تا این حد از مردان علمی و چهره‌های بارز دینی و اجتماعی خالی شده باشد. این اتفاقات پس از رحلت میرزای شیرازی به وقوع پیوست. هدف مرحوم میرزا از سکونت در این شهر، توجه به سامراء به عنوان یک شهر مذهبی مهم برای شیعیان بود.^{۴۴}

مُعجم البُلدان، از یاقوت حموی

بر اساس متون تاریخی، این شهر در عصر ساسانیان زیر سلطه ایران بوده و مردم آن منطقه ناچار به پرداخت مالیات به پادشاهان ایرانی بوده‌اند. مورخان یکی از دلایل تسمیه آن را به «سامراء» همین دانسته‌اند. سامراء به معنای محل حساب و کتاب است. از دیگر نام‌های سامراء، می‌توان به تیرهان و سامره اشاره کرد.^{۴۵}

الكامل فی التاریخ، از ابن اثیر

در سال ۲۲۱ق چون معتصم، تُرکان را بر امور نظامی و دیوانی در بغداد مسلط ساخته بود، هفتاد هزار نظامی تُرک، بغداد را جولانگاه تاخت و تاز اسب‌های خویش قرار دادند و برای مردم ایجاد مزاحمت می‌کردند. این شد که معتصم به فکر انتقال پایتخت به سامراء افتاد.

مروج الذهب، از مسعودی

شکایت‌های مردم به معتصم باعث شد او به فکر چاره‌ای باشد و در اطراف بغداد، بهتر و مناسب‌تر از این مکان نیافت. (ج ۲، ص ۴۶۷)

پس از ساخت شهر سامراء، ترکان را به آنجا بُرد تا مردم شهر بغداد نفس راحتی بکشند.

کاربرد سامراء در منابع فقه

از سامراء به مناسبت در باب‌های صلاة، جهاد و مزار نام برده شده است. مثلاً در «الحدائق الناضرة» از شیخ یوسف بحرانی (ج ۶ ص ۳۹۳) آمده است که از راه‌های دستیابی به جهت قبله، محراب معصوم علیه السلام است؛ مانند مسجد منسوب به امام هادی علیه السلام در «سامراء». یا مثلاً در «مسالك الافهام» از شهید ثانی (ج ۳، ص ۱۶۷) یا «جواهر الکلام» از شیخ محمدحسن نجفی (ج ۲۱، ص ۲۸۱) آمده است که فقها در تبیین معنای دارالسلام، یکی از مصادیق آن را شهری دانسته‌اند که در دوره اسلامی ساخته شده و کفار در بنای آن نقشی نداشته باشند؛ مانند «سامراء».

در باب مزار نیز قاضی ابن براج در «المهذب البارع» (ج ۲ ص ۱۵) و شهید اوّل در «الدروس الشرعیة فی فقه الامامیه» (ج ۲، ص ۱۵) چنین می‌نویسند:

«زیارت عسکرین علیهما السلام در سامراء و زیارت امام زمان (عج) در هر زمان و مکان به‌ویژه سرداب مقدّس در «سامراء» مستحبّ است».

۳. سامراء در کتب جغرافيا

راهنمای عراق

خرابه‌های سامراء

این خرابه‌ها در کنار شهر جدید سامراء ساخته شده است. این خرابی‌ها مشتمل بر آثار مهمی است که به تاریخ دوره‌های پیشین دلالت دارد. در این شهر زندانی بود که متوکل عباسی آن را ساخته بود و امروزه به تلی از خاک تبدیل شده است.^{۴۶}

راهنمای موطن و آثار تاریخی عراق

سامرای امروز مرکز استان صلاح‌الدین است. در قلب سامرای جدید حرم عسکرین عليه السلام واقع شده است. امام هادی عليه السلام را در خانه خویش و امام عسکری عليه السلام را در کنار ایشان به خاک سپردند. در کنار حرم عسکرین سرداب غیبت هست که معروف است محلّ غیبت حضرت ولی عصر عليه السلام بوده است.

مجموع عشایر ساکن در سامراء یازده عشیره است. تعداد نفوس این عشایر دائماً در حال تغییر است. شهرک‌های جدیدی اطراف سامراء ساخته شده است.^{۴۷}

۴. سامراء در سفرنامه‌ها

سفرنامه ابن جبّی

صبح روز پنج‌شنبه ۱۸ ماه صفر سال ۵۸۰ق در ساحل دجله، نزدیک قلعه‌ای به نام معشوق فرود آمدیم. نقل است که این مکان تفرّج‌گاه زبیده، دختر عموی هارون الرشید و همسرش بوده است. روبه‌روی این قلعه در ساحل شرقی دجله، شهر «سُرْمَن رَأَى» قرار گرفته است. آنچه امروز از سامراء مانده، درس عبرتی است برای هر بیننده‌ای. معتصم‌ش کو؟ واثقش کو؟ متوکلش کو؟! سامراء شهر بزرگی بوده که بخشی از آن خراب شده است. مسعودی در توصیف این شهر می‌گوید: «هوایش خوب است و منظره خوبی دارد و واقعاً هم همین جور است. امروز برای استراحت در این شهر اقامت کردیم».^{۴۸}

سفرنامه ابن بطوطه

سامراء رو به خرابی گذاشته و جز مقدار کمی از آن باقی نمانده است. در این شهر مسجدی است که به نام صاحب الزمان علیه السلام معروف است.^{۴۹}

نزهة الجلیس و منیة الأدیب الأئیس، از سیّد عباس مکی

برای زیارت عسکرین علیهم السلام از بغداد به طرف سامراء حرکت کردیم و سه روز را در این شهر اقامت داشتیم و سپس به بغداد باز گشتیم. مناره‌ای که در این شهر قرار دارد، یکی از عجایب است.^{۵۰}

سفرنامه مُنشی بغدادی

سامراء هوای خوبی دارد و دوهزار خانه در این شهر وجود دارد. این شهر در هر سال سی هزار زائر دارد. مناره‌ای دارد که برخلاف سایر مناره‌ها که از داخل پله دارد و به بالا می‌رود، مسیرش به سمت بالا، از بیرون است. سامراء میوه‌ای دارد شبیه طالبی که قرمز رنگ و بسیار خوشمزه است.^{۵۱}

سفرنامه عبدالوہاب عزام

شنبه ۲۷ رمضان سال ۱۳۴۹ق روز بسیار خوبی است. به سامراء سفر کرده‌ایم. برخی مخالفین به جای «سُر من رأی»، «غَمَّ مَنْ رأی» به این شهر می‌گویند؛ یعنی مغموم و ناراحت می‌شود هر کسی به این شهر سفر می‌کند. سفر ما به سامراء با اشتباهاتی همراه بود. اول این که به مدت دو ساعت مسیر را با الأغ رفتیم؛ در حالی که می‌شد با ماشین برویم. چند ماشین کوچک کرایه کردیم و از بغداد راه افتادیم. در اولین پُمپ بنزین ۴۵ دقیقه معطل شدیم. خرابی ماشین‌ها در مسیر نیز ما را بسیار معطل کرد.

در مسیر به قصر بزرگی در رود دجیل رسیدیم که می‌گفتند ساخته دست مستنصر است و روی آن آیات قرآن و اسامی خلفای عباسی نوشته شده است. ما تمام این نوشته‌ها را یادداشت کردیم. برخی را نیز روزگار محو کرده بود. تاریخ ساخت قصر ۶۲۹ق بود. به حرکت ادامه دادیم تا به ساحل دجله رسیدیم. حدود ساعت ۵ عصر به سامراء رسیدیم و چاره‌ای نداشتیم جز این که ماشین‌ها را یکی یکی از معبری که در دو طرف ساحل بود، عبور دهیم. این کار نیز وقت زیادی از ما گرفت.

نزدیک‌ترین خرابه‌های سامرای قدیم به سامرای فعلی، مسجد معتصم است که انسان را به یاد مسجد ابن طولون می‌اندازد. معتصم دارای قصر بزرگی در ساحل دجله بوده است و روی قصرش گنبدی بزرگ دیده می‌شود. ... در سامراء حرمی است در طراز حرم کاظمین و کربلا و نجف؛ البته کوچکتر و دارای گنبدی کوچک. چهار قبر در این حرم است که حضرت هادی و حسن عسکری و سکینه خاتون و حکیمه خاتون علیهم‌السلام که یکی همسر امام هادی علیه‌السلام است و دیگری عمه ایشان.

به راننده‌ها گفتیم در ساحل دجله بماند تا ما از زیارت برگردیم. وقت بازگشت، گفتیم حرکت کنیم، اما ایشان امتناع کرده و گفتند: ما شب‌ها رانندگی نمی‌کنیم؛ در ضمن، بنزین هم نداریم. بعد از زیارت حرم عسکرین علیهم‌السلام برگشتیم، اما بعداً تأسف خوردیم که چرا به سرداب غیبت نرفته‌ایم.

شش سال بعد که دوباره به سامراء مسافرت کردیم، آن‌جا را بسیار تغییر یافته دیدیم. خیابان‌های اصلی و فرعی بسیاری ساخته شده بود. این بار به سرداب غیبت هم رفتیم. مکانی که دارای دو دهلیز بود و در انتهای سرداب کاری جالب با چوب دیده می‌شد. از دیوارهایی که دور تا دور قصرهای مستنصر و معتصم کشیده شده بود خبری نبود.^{۵۲}

نکته قابل توجه و مشترک این سفرنامه‌ها این است که سفرنامه‌نویسان عرب مثل ابن بطوطه وقتی از سامراء یا دیگر شهرهای مقدّس نام می‌آورند، تعبیر به زیارت یا توسّل و امثال آن دارند و این نکته برای عده‌ای که با اصل زیارت و توسّل جستن به بزرگان دین مخالفند، باید مدّ نظر قرار گیرد و این کار را برخلاف توحید و مصداقی از مصادیق شرک نشمارند. این سفرنامه‌نویسان اغلب از اهل سنتی هستند که مطابق مذهبشان، توسّل را شرک نمی‌پنداشتند و آن را به عنوان یک سیره عقلایی و مشروع قبول داشتند.

پی‌نوشت‌ها

۱. این مقاله برگرفته از «موسوعه عتبات عالیات» تألیف جعفر خلیلی، بخش مربوط به سامراء است.
۲. دکتر حسین علی محفوظ (۱۹۲۶ - ۲۰۰۹م) نویسنده معروف عراقی است. در شهر مقدّس کاظمین چشم به جهان گشود و دروس ابتدایی را در همین شهر گذراند. پس برای تحصیلات تکمیلی به بغداد آمد و بالاخره به کرسی استادی در دانشگاه بغداد و دانشکده زبان فارسی دست یافت. از ایشان تألیفات متعدّدی به یادگار مانده است. وی در علوم و فنون ادب عرب نیز ید طولایی داشت و دو بار مفتخر به دریافت جایزه کتاب سال شد.

۳. جامع مختصر، ص ۱۷۶.
۴. حوادث جامعه، ص ۱۵۲.
۵. همان، ص ۳۰۶.
۶. رسول کرکوکلی، دوحه الوزراء، ص ۱۹۹.
۷. عباس عزای، تاریخ عراق بین احتلالین، ج ۴، ص ۷۲.
۸. اولین فرمانده تُرک در عراق. این طیف سیصد سال حکومت عراق را در دست داشتند. این فرمانروایی به حکومت مملوک‌ها یا ممالیک معروف است.
۹. همان، ج ۵، ص ۱۶۶.
۱۰. همان، ص ۱۹۹.
۱۱. همان، ج ۶، ص ۱۱۵.
۱۲. همان، ج ۷، ص ۱۰۹.
۱۳. «مدحت پاشا» از رجال قرن نوزدهم حکومت عثمانی است. مدتی صدر اعظم بود. در سال ۱۸۸۳ م به دستور سلطان عبدالعزیز او را در زندان خفه کردند. از مدحت پاشا به عنوان پدر مشروطه اوّل و واضع قانون اساسی ۱۸۷۶ م یاد می‌شود. تجدّدگرایی نیز یکی دیگر از اوصاف او بوده است.
۱۴. همان، ص ۱۶۹.
۱۵. چهارمین شاه از دودمان قاجار، ناصرالدین است. از او به «سلطان صاحب‌قران» یاد می‌شود. در شانزده سالگی تاج‌گذاری کرد. در پنجاهمین سالگرد پادشاهی‌اش در حرم حضرت عبدالعظیم علیه السلام به دست میرزا رضای کرمانی ترور شد.
۱۶. همان، ص ۲۴۴.
۱۷. همان، ج ۸، ص ۴۳.
۱۸. همان، ص ۳۰۵.
۱۹. فریق مزهر آل‌فرعون، الحقائق الناصعة، ج ۱، ص ۷۹.
۲۰. همان، ص ۳۳۰.
۲۱. شایع السراء، ص ۳.
۲۲. حمدانی‌ها دولتی شیعی بودند که حکومتشان نزدیک به یک قرن به طول انجامید. آنان به واسطه عباسی‌ها به حکومت رسیدند. مکتفی امارت موصل را به عبدالله بن حمدان داد. او منطقه موصل را به فرزندش ناصرالدوله داد تا در آن حکومتی تشکیل دهد.
۲۳. «احمد بن بویه» معروف به «مُعزالدوله» از فرمانروایان آل‌بویه است. حکومت آل‌بویه صد و ده سال به طول انجامید، در دوران احمد، حرم‌های امامان شیعه بازسازی شد.
۲۴. ابتدا بنا بود «تاج‌الدوله» لقب بگیرد، ولی معزالدوله این لقب را بیش از شأن او دانست و لقب «عُضدالدوله» یعنی بازوی حکومت برایش انتخاب شده است.
۲۵. «برکیاروق» سومین شاه سلجوقیان است. او در ۲۵ سالگی به علت بیماری سل از دنیا رفت.

۲۶. سی و پنجمین خلیفه عباسی است که ۴۶ سال حکومت کرد.
۲۷. او برادر سید بن طاووس، صاحب کتاب «اللّهوف» است. جدّ پدری احمد با ۱۳ واسطه به امام حسن مجتبیٰ علیه السلام می‌رسد و از طرف مادری از نوادگان شیخ طوسی است. علامه حلی از جمله شاگردان اوست. در حدود بیست اثر از او بر جای مانده است. سید احمد فرزندی داشت که او نیز به ابن طاووس معروف است. سید احمد در حله درگذشت و همان‌جا به خاک سپرده شد.
۲۸. «جلایر» نام یکی از طوایف مهم مغول است. آنان مروّج زبان ترکی در عراق بودند. ابوایس یا شیخ اویس مهم‌ترین فرد در این خانواده شمرده می‌شود که با آمدنش آل جلایر به اوج خود رسید و با رفتنش آل جلایر به ضعف گرایید.
۲۹. «شاه حسین صفوی» آخرین پادشاه از خاندان صفوی است که سی سال حکومت کرد. حکومتش با قیام افغان‌ها و سقوط اصفهان که پایتخت بود، به پایان رسید.
۳۰. «شیخ العراقین» از شاگردان برجسته صاحب جواهر است. محدّث نوری وی را زبده اعظم محققین لقب داده است. شیخ العراقین مورد اعتماد امیرکبیر بود. امیرکبیر با دقتی که در احوال مردمان داشت، وی را وصیّ خویش قرار داد.
۳۱. اولین پادشاه عراق و بنیان‌گذار سلسله هاشمی است. او پسر سوم حسین بن علی است. حسین بن علی، معروف به «شریف حسین» و «شریف مکه» است. از ۱۹۲۱ تا ۱۹۳۳ م پادشاه عراق بود. یک سال نیز در سال ۱۹۲۰ م پادشاه سوریه بود.
۳۲. آخرین پادشاه عراق که در کودتای ضد سلطنتی در سال ۱۹۵۸ م به رهبری عبدالکریم قاسم از پادشاهی خلع و کشته شد.
۳۳. شایع اسراء، ص ۲۸ - ۳۷.
۳۴. همان، ص ۴۱.
۳۵. «سید محمدحسن حسینی شیرازی» پس از شیخ انصاری سی سال مرجعیّت شیعه را بر عهده داشت. وی در سن ۸۲ سالگی بر اثر مسمومیت از دنیا رفت. دروس سطوح مقدمات و فن نویسندگی و وعظ و خطابه را نزد دایی‌اش گذراند. ایشان مدّتی را نیز در اصفهان تحصیل کرد؛ سپس به کربلا و پس از آن به نجف رفت. شیخ انصاری می‌گفت: من درسم را برای سه نفر می‌گویم که یکی از آنها میرزای شیرازی است. تحریم تنباکو از مهم‌ترین اتفاقات زمان حیات وی است. امام خمینی علیه السلام در وصف فتوای میرزا می‌گویند: «همان نصف سطر میرزای شیرازی رضوان الله تعالی علیه مملکت ما را از توی حلقوم خارجی‌ها بیرون کشید». شیخ عبدالکریم حائری و میرزا جواد ملکی تبریزی استاد اخلاق امام خمینی از شاگردان میرزای شیرازی هستند.
۳۶. از سید جمال‌الدین اسدآبادی به عنوان آغازگر نهضت بیداری اسلامی در سده‌های اخیر نام برده می‌شود. مدتی در مصر به تدریس پرداخت و در تحولات سیاسی مصر نقش موثر داشت. سید به دستور شیخ انصاری عازم هندوستان شد و سعی کرد مردم آن سامان را علیه انگلیس بشوراند. وی در سال ۱۲۷۵ هجری در استانبول از دنیا رفت و پیکرش در دانشگاه کابل به خاک سپرده شد.
۳۷. «علامه سید محسن عاملی» در سال ۱۲۸۴ ق متولّد شد. نسب وی به «زید شهید» می‌رسد. در جبل عامل دروس سطوح اول را خواند و در سال ۱۳۰۸ ق به نجف هجرت کرد. آخوند خراسانی از اساتید وی است.

- «اعیان الشیعه» و «کشف الارتیاب» دو اثر مهمّ وی است. ۷۵ کتاب و رساله از ایشان به یادگار مانده است.
۳۸. «شکیب ارسلان» متفکر لبنانی، ملقب به «أمیر بیان»، فعالیت‌های سیاسی هم داشت، به چهار زبان عربی، ترکی، فرانسوی و آلمانی به خوبی سخن می‌گفت. در راه بیدار کردن امت عرب نسبت به نقشه استعمارگران نسبت فلسطین بسیار تلاش کرد. از وی بیش از ده اثر بر جای مانده است.
۳۹. المآثر الکبری، ج ۲، ص ۲۷.
۴۰. انتشار یافته در عالم الکتب بیروت.
۴۱. احسن الودیعه، ج ۲، ص ۲۲۱.
۴۲. همان.
۴۳. سید محسن امین عاملی، اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۳۶۷.
۴۴. تاریخ الشیعه، ص ۱۰۱.
۴۵. یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۷۲.
۴۶. راهنمای رسمی عراق، ص ۶۶۳.
۴۷. راهنمای مواطن، ص ۴۱. از جمله کتب جغرافی دربارۀ عراق می‌توان به کتاب «اماکن مقدّس در عراق» اشاره کرد. کتاب دیگر «جغرافیای عراق» است. این کتاب‌ها توسط گروهی از محققین به سفارش شهرداری کربلا و کاظمین به نگارش درآمده است.
۴۸. سفرنامه ابن جبیر، ص ۲۳۲.
۴۹. سفرنامه ابن بطوطه، ج ۱، ص ۱۳۸ تا ۱۴۷.
۵۰. نزهة الجلیس، ج ۱، ص ۱۱۹.
۵۱. سفرنامه مُنشی بغدادی، ص ۸۸. محمّد بن مؤیّد بغدادی خوارزمی، مُنشی علاءالدین خوارزمشاه و سلطان محمد بود. او سه سال نیز در زندان بوده است. در اواخر قرن ششم قمری می‌زیسته است.
۵۲. سفرنامه عبدالوهاب، ص ۷۷.
- * برخی دیگر از منابع عربی که درباره «سامراء» مطالبی نوشته‌اند:
۱. عیون اخبار الرضا، ابن بابویه، ص ۴۹۴.
 ۲. جمهرة انساب العرب، ابن حزم، ص ۶۱.
 ۳. اشارات إلى معرفة الزیارات، ص ۷۲.
 ۴. جغرافیای عراق، طه الهاشمی، ص ۱۲۳.
 ۵. وفيات الأعیان، ج ۲، ص ۳۷۳ و ۴۳۵.
 ۶. سامراء؛ دراسة فی النشأة والبنیة الکسانیّة، دکتر صالح احمد العلی.
 ۷. تاریخ فخری، ابن طقطقی، ترجمه وحید گلپایگانی.
 ۸. جولة فی الأماكن المقدّسة، موسوی زنجانی.
 ۹. سامراء؛ عاصمة الدّولة العربیّة فی عهد العبّاسیّین، احمد عبدالباقی.
 ۱۰. تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، به طور مکرّر در مجلّات متعدّد.